

تحصیل

شغل

نماز

ورزش

و ...

دیدگاه دانش آموزان نسبت به

یوسف سوزنی نیا - یزدان سرابی

مقدمه:

جریان سازنده و ارزنده مطالعه و تحقیق که دو سال است جایگزین مسابقه کتاب خوانی شده، تأثیری ژرف و امید بخش در نسل دانش آموز پدید آورده است. تحقیقات و پژوهش هایی که محصول جوش و کوشش فکری دانش آموزان است گاه هم اندازه مطالعات دانشگاهی پخته و استوار و ارجمند است. آنچه می خوانید نمونه ای از تحقیقات دانش آموزی است که دو دانش آموز سال چهارم «یوسف سوزنی نیا» و یزدان سرابی در ناحیه ۱ کرمانشاه انجام داده اند. آنها با طرح ۹ سؤال از ۱۶۵ دانش آموز و استتساج و ترسیم نمودار پاسخ ها، پیشنهادهایی را نیز برای بهبود کیفیت آموزشی ارائه داده اند که با توجه به سطح تحصیلی و دنیای احساسی و ادراکی آنها باید دیده و سنجیده شود.

سؤال اول: میزان علاقه شما نسبت به تحصیل چه اندازه است؟

البته شاید سؤال نادرست به نظر آید، زیرا حضور دانش آموزان در مدرسه نمایانگر علاقه آنها نسبت به تحصیل و مدرسه است و در صورت عدم داشتن علاقه قطعاً تحصیل نخواهند نمود. ولی باید خاطر نشان ساخت که این میزان علاقه در دانش آموزان در یک سطح نیست و بر حسب انتظار و هدفی که از تحصیل دارند علاقه آنها نیز تغییر می یابد.

خیلی ضعیف	ضعیف	متوسط	خوب	عالی
۹٪	۳٪	۱۷/۵٪	۴۰٪	۲۹/۶٪

اصولاً این ۹ درصد دانش آموزی که هیچگونه علاقمندی نسبت به تحصیل ندارند از کسب حداقل نمره قبولی ناتوانند و اکثریت این گروه دانش آموزان به علت عدم داشتن انگیزه تحصیلی به طور اجباری دنبال راه تحصیل نبوده و مشغول به شغل و حرفه ای می گردند و یا در کلاسهای شبانه و آن هم با چند سال یک کلاس را طی نمودن درس را به اتمام می رسانند. بهر حال علاقه مندی به تحصیل یکی از بزرگترین عوامل پیشرفت دانش آموز است و باعث می شود که او با جدیت بیشتری به تحصیل ادامه داده و مشکلات تحصیل را یکی پس از دیگری هموار سازد. البته نباید این را نادیده گرفت که می توان علاقه را در دانش آموزان ایجاد کرده بعضی از دانش آموزان نظراتی داشتند که خواندن قسمتهایی از آنها خالی از لطف نیست. پاره ای از آنها معتقد بودند که مسئولین می توانند با متنوع تر نمودن برنامه تحصیلی از جمله آگاه ساختن دانش آموز از مضرات ناشی از ترک تحصیل و امیدوار نمودن آنان به ادامه تحصیل، گردشهای علمی، بازدید از صنایع و کارخانجات، کم

کردن حجم سنگین بعضی از دروس تا جایی که برای دانش آموز قابل درک باشد، استفاده از وسایل کمک آموزشی و تدریس دروس فنی در آزمایشگاههای مربوطه و پیشنهاداتی از این قبیل میزان علاقه مندی به تحصیل را در دانش آموز ایجاد نمایند.

البته باید اضافه نمود که اکثر این خواسته ها جزء برنامه های وزارت آموزش و پرورش می باشد و شاید مشکلات و تنگناهای بودجه مانع تحقق همه این خواسته ها باشد. با توجه به نمودار درصد علاقه مندان به تحصیل چیزی حدود ۷۰ درصد می باشد. و این در شرایطی است که هر سال تعداد معدودی از دانش آموزان به دانشگاهها راه می یابند. کشور ما علاوه بر داشتن افرادی با تحصیلات عالی به نیروهای فنی و متخصص نیز برای کار در صنایع و ارگانها احتیاج دارد و عمده شرکت کنندگان در کنکور پشت درهای کنکور مانده و نیز از داشتن شغلی با حقوق مکفی بی بهره اند. و حتی تعداد معدودی از آنها نیز ناچار هستند برای تأمین حداقل درآمدی دست به شغلهای کاذب بزنند. برنامه ریزی در حل این مشکل باید در رأس برنامه ریزی های

امروز نظام جمهوری اسلامی باشد تا از هر ز رفتن استعدادهای و سرمایه های عظیم ملی جلوگیری نماید.
نتیجه:

ایجاد علاقه و بوجود آمدن انگیزه تحصیلی اولین و ابتدایی ترین هدف در امر آموزش و پرورش است همین علاقه است که دانش آموزان را به تحصیل و آینده روشنی که تحصیل برایشان ایجاد می کند و آنان را از نظر اجتماعی به سطوح بالاتر ارتقاء می دهد امیدوار می سازد و در راه پیشرفت تحصیل هر چه پربارتر قدم حرکت می دهد. با وجود علاقه است که دانش آموز با بهره گیری از استعدادش در هر رشته تحصیلی می تواند فردای بهتری برای خود و جامعه ای که در آن زندگی می کند رقم بزند.

سئوال دوم: آیا به قبولی در کنکور سراسری امیدوارید؟

این روزها دانش آموزان در تب و تاب امتحان گزینش دانشجو می سوزند. بسیاری تلاش دارند که خود را در امتحان بالا کشیده و یکی از صندلیهای دانشگاه را به خود اختصاص دهند. البته دانش آموزانی وجود دارند که فقط به گرفتن مدرک دیپلم قناعت نموده و به شغل آزاد روی می آورند. در حدود ۷۷/۵ درصد از این دانش آموزان راغب به تحصیل در دانشگاه می باشند و امیدوارند که در کنکور سراسری قبول بشوند. از یکی از دانش آموزان سئوال نمودم، علت اصلی رغبت شما به ورود به دانشگاه چیست؟ ایشان در پاسخ گفتند: راه دیگری برای تأمین آینده خود ندارم! از این جواب بخوبی می توان استنباط نمود که اکثر دانش آموزانی که در کنکور قبول می شوند و یا می خواهند قبول بشوند، همگی برای یادگیری و تحصیلات عالی تلاش نمی کنند. بلکه هدف آنها رسیدن به شغلی جهت کسب درآمدی مناسب است. این مسئله معلول میزان اختلاف درآمد میان افراد شاغل با داشتن مدرک و افراد ماهر و حرفه ای ولی بدون مدرک است. باری ۲۲/۵ درصد دیگر دانش آموزان آمیدی به تحصیل در دانشگاه ندارند، دانش آموزی در پاسخ به این سئوال که چرا به تحصیل در دانشگاه امیدوار نیستید؟ پاسخ داد: «امید دارم ولی امکانات ندارم»

وی ذکر نمود کسی که امکانات دارد با گرفتن دبیر خصوصی و خریداری نمودن کتابهای گوناگون علمی جهت مطالعه بیشتر وارد کلاسها و آموزشگاهها شده و طبعاً در دانشگاه نیز موفق خواهد شد. در صورتی که موفق به اخذ مدرک قبولی در دانشگاه سراسری نگردد، می تواند به دانشگاه آزاد راه یابد.

ولی نباید منکر این بود که دانش آموزانی محروم و مستضعف که در نهایت تنگدستی درس خوانده اند و با تلاش وافر موفق به ورود به دانشگاه شده و در بالاترین سطوح فارغ التحصیل شده اند نیز وجود دارند. همان طور که گفته شد مشکلات شورمان با تربیت نیروهای دارای مدرک دانشگاهی حل نمی گردد. لذا مابه صنعتگران و متخصصین ماهری داریم که دارای مدرک دانشگاهی نیستند اما تخصص لازم را کسب کرده اند و چه بسا از جهاتی بر افراد دسته اول ارجحیت دارند.

سئوال سوم: آیا نظام آموزشی ایران را موفق می دانید؟

باید خاطر نشان ساخت کشوری که دارای صنایع پیشرفته و امکانات رفاهی بیشتر و مردم آن کشور دارای سطح آگاهی و فرهنگ بالاتر می باشند حتماً از نظام آموزشی مطلوبی بهره گرفته است. در حقیقت آینده و رفاه کشورها به دست مسئولین آموزشی و در گرو نظام آموزش و پرورش جوانان آن کشور است. ۸۲/۵ درصد از این دانش آموزان نظام آموزش و پرورش ایران را ناموفق می دانند و دلیل آنرا بی برنامه بودن تدریس مدرسنین می دانسته اند. عده ای اظهار داشتند بایستی درس ضمن انجام کارهای عملی و آزمایشی به ما آموخته شود، تا میزان یادگیری دو چندان شود. بسیاری دیگر از سطح بالای درس و مشکل بودن آنها سخن می گفتند. هم چنین در حدود ۱۷/۵ درصد دانش آموزان نظام را موفق می دانستند، ضمن اینکه اکثر آنان از دانش آموزان نظام جدید تشکیل می شدند.

به نظر می رسد دلیل اصلی اظهار دانش آموزان به ناموفق بودن نظام آموزشی ایران عدم دستیابی آنها به شغل مناسب پس از پایان تحصیلات است. دشواری درس، نظری بودن و عدم بهره گیری از کارگاه و کسب مهارت از دیگر دلایل دانش آموزان در

این زمینه است. باید عنوان نمود که کشور ایران کشور جوانها است و همانطور که از رسانه ها شنیده ایم میزان افراد ۱۵ تا ۳۰ سال بیشتر از یک چهارم کل جمعیت ایران می باشد، این عظیم ترین سرمایه برای ایران است. اگر کشور ما این نیروها را در جهت مثبت و مفیدی بکار گیرد، با استفاده از تجربه افراد مسن تر در کنار این نیروهای جوان می توانیم جامعه ای موفق داشته باشیم.

برای افرادی که در سراسر جهان می خواهند در رشته های تخصصی ادامه تحصیل داده و وارد دانشگاه شوند در یک حد می باشد.

سئوال پنجم: آیا دبیرستانهای غیرانتفاعی را تأیید می کنید؟

دبیرستانهای غیرانتفاعی نوعی دیگر از طرحهای اجرایی در راستای واگذاری بخشهای دولتی به بخش خصوصی می باشد. در همین رابطه سئوال فوق را از دانش آموزان پرسیدیم. که ۷۸/۲ درصد آنها به این دلیل که «ریشه و شیرازه این دبیرستانها پول بوده و فقط شامل قشری از جامعه می شود» آن را تأیید نکردند. برخی گفتند هنگامی که دانش آموزان جهت تحصیل پول خرج می کنند معلمین نیز موظف به تسلیم نمودن مدرک و نمره قبولی به آنها هستند و قادر نیستند دانش آموز را با امتحان مورد سنجش قرار دهند. گروهی دیگر عقیده داشتند در دبیرستانهای غیرانتفاعی پول برابر است با نمره. گروهی دلیل رد اینگونه مدارس را ایجاد شکاف بین دانش آموزان می دانستند. ۲۱/۸ درصد دیگر که آن را تأیید می کردند دلیشان را این گونه بیان داشتند: با توجه به اینکه امروزه مدرک دارای اهمیت است و اخذ مدرک در دبیرستانهای غیرانتفاعی ساده تر صورت می گیرد، لذا آن را تأیید می کنیم. و برخی معتقد بودند با توجه به مبلغی که محصلین می پردازند، لذا اینگونه مدارس دارای دبیران مجرب تر و امکانات بهتری نسبت به مدارس دیگر هستند.

سئوال ششم: رابطه شما با اولیای مدارس چگونه است؟

لازمه اینکه یک جامعه بتواند کارایی لازم را داشته و دارای یک نظم و قانون خاص باشد این است که تمام اعضای آن جامعه با یکدیگر

متحد و دارای رابطه تنگاتنگ باشند. با فقدان این رابطه جامعه به سر منزل نهایی نخواهد رسید.

بنابراین در یک جامعه کوچکتر به نام مدرسه منطبق حکم می‌نماید همه اعضای آن که شامل محصلین و معلمین و مدیر و ناظم و سایر کارکنان مدرسه هستند با هم روابطی حسنه برقرار نمایند تا آن مدرسه یا آموزشگاه بتواند برای جامعه ما هرچه مفیدتر واقع گردد. با توجه به اینکه مدرسه خانه دوم دانش آموز است، مسئولین آموزشگاهها باید به گونه ای برنامه ریزی نمایند که در صورت بروز کوچکترین مشکل خانوادگی برای هریک از دانش آموزان اولین کسانی باشند که در جریان قرار می‌گیرند و در جهت رفع آن مشکل با والدین دانش آموزان مشورت نموده و راهنمایی‌های لازم را به آنان بنمایند. طبق آماري که بنده تهیه نمودم در حدود ۱۳/۹ درصد از دانش آموزان دارای روابط عالی با اولیای مدرسه هستند. ۳۶/۳۶ درصد آنان دارای روابط خوب، ۱۶/۹۶ درصد دارای روابط متوسط و ۳۲/۷۲ درصد آنان نیز اعلام داشتند روابطی ضعیف با اولیای مدرسه دارند. آنها در پاسخ به این پرسش که در صورت ایجاد یک اشکال در خانواده مورد را با مسئولین مدرسه در میان خواهید گذاشت یا خیر بطور صد درصد پاسخ منفی دادند و حتی یک مورد هم مشاهده نگردید که به ما جواب دهد مشکلاتمان را با اولیای مدرسه در میان می‌گذاریم. بسا توجه به سخنان دانش آموزان آنها حتی نام مربی تربیتی مدرسه خود را بلد نبودند. ضمن اینکه مواردی هم وجود داشت که اظهار می‌نمود ترک تحصیل کرده و مشول تربیتی چند هفته ای به منزل آن دانش آموز می‌رفته تا نظر وی را در مورد ترک تحصیل عوض نماید. و جداً زحمات این مربیان گرامی جای شکر بسیار دارد.

سؤال هفتم: آیا هدف از تحصیل کسب درآمد است یا اندوختن دانش و بالابردن سطح آگاهی و معلومات؟

در اینجا یکی از موضوعات قدیمی انشای دانش آموزان ابتدایی تداعی می‌شود که علم بهتر است یا ثروت و دانش آموز برای کسب نمره عالی در انشاء با آب و تاب از علم سخن می‌راند و می‌گوید ثروت را دزدی می‌تواند

بزد ولی علم را خیر.

۴۸/۵ درصد هدفشان را از تحصیل به دست آوردن پول و کسب درآمد ذکر نمودند، ۱۲/۵ درصد هدفشان بالابردن سطح آگاهی و معلومات خود بود. و در حدود ۳۹ درصد دیگر نیز علم و ثروت را در کنار هم انتخاب نموده و هدفشان را کسب درآمد و بالابردن سطح فرهنگ ذکر نمودند.

سؤال هشتم: آیا به نماز اهمیت می‌دهید یا خیر؟

با توجه به اهمیت نماز، تلاش مسئولین جهت همگام نمودن دانش آموزان برای برپا داشتن فرائض دینی اولین گام برای آشنایی آنان با نماز و اهمیت نماز است. طبق آماري که به دست آمد ۵۹/۴ درصد دانش آموزان نماز می‌خوانند و آن را به عنوان یک وظیفه شرعی با ارزش می‌دانند. ۴۰/۶ دیگر نیز با نماز آشنایی ندارند و نسبت به آن بی‌توجه هستند. از دانش آموزان پرسیدیم که آیا مدرسه زمینه برپا داشتن نمازهای جماعت و آشنا نمودن شما با فرائض دینی را فراهم می‌نماید یا خیر؟ که اکثر قریب باتفاق آنها همکاری دبیرستانهایشان را در حد خوب و متوسط ذکر کردند. آنها می‌گفتند که اقامه نماز به صورت دسته جمعی امری بسیار مؤثر در جهت آشنایی دانش آموزان در یادگیری فرائض دینی است.

ضمن اینکه خود دبیران با اهمیت دادن به فرائض دینی باید مشوق دانش آموزان باشند و باید جوانان و نوجوانان را با قرآن آشنا نموده و از شربت گوارا و حیات بخش قرآن به ذائقه آنان چیزی چشاند تا اهمیت نماز برای آنان روشن گردد. زیرا نماز مهمترین عمل عبادی است که اگر مورد قبول درگاه خداوند عالم شود، اعمال دیگر هم قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود. لذا مسئولین مدارس باید با ایجاد کلاسهای دینی دانش آموزان را هرچه بیشتر با نماز و تأثیر آن در زندگی آشنا نمایند. دانش آموزان نیز با دلی پاک و ایمانی قوی به نماز روی آورده و آن را در رأس همه امور قرار دهند.

سؤال نهم: آیا ورزش می‌کنید؟

تحرك و شادی دانش آموزان تحت عنوان ورزش یکی از عوامل کاهش خستگی ناشی از تحصیل و درس خواندن است. زنگ ورزش باعث می‌شود تنوعی در میان برنامه

هفتگی کلاس درس بوجود آمده و بر میزان کارایی بیفزاید. اما متأسفانه در اکثر دبیرستانها زنگ ورزش زنگ درس محسوب نمی‌شود و در طول این ساعت تقریباً کوچکترین بهره لازم از ورزش شامل دانش آموز نمی‌گردد و هریک بنا به سلیقه خویش این زنگ را به پایان می‌رسانند. جالب توجه این است که قریب ۸۵/۵ درصد اعلام داشته اند که ورزش می‌کنند و نسبت به برنامه های ورزشی ابراز تمایل داشتند. و ۱۴/۵ درصد نیز ابراز داشتند که ورزشکار نیستند و آن را برنامه ای بی اساس قلمداد نمودند. ضمن اینکه دسته اول اعتراض داشتند که یک ساعت برای ورزش زمانی کافی نیست و تازه بعضی از معلمین که قصد دارند کلاس فوق برنامه بگذارند زنگ ورزش را اشغال می‌کنند. و معلمین ورزش هم نسبت به این عمل از خود واکنشی نشان نمی‌دهند. دانش آموزان امکانات دبیرستان را برای ورزش کافی نمی‌دانند و خواستارند که مسئولین ذیربط رسیدگی بیشتری نسبت به این امر مهم داشته باشند. گروه دوم نیز که ورزشکار نبودند حتی زمان آن را زیاد می‌دانستند و از نظرات آنها بخوبی درمی‌یابیم که در زنگ ورزش هیچگونه برنامه ای ندارند.

بهر حال ما امروزه از اهمیت و جایگاه ورزش در کشور و جهان به خوبی آگاهیم و از اثرات خوب و سازنده آن در مبارزه با تهاجم یا بهتر بگویم شیخون فرهنگی کم و بیش مطلع هستیم. رهبر عزیزمان آیت ا... . خامنه ای فرمودند: «ما امروز به ورزشکار قهرمان و حرفه ای احتیاج داریم» لزوم یا شوق در جوانان و نوجوانان را به طرف ورزش به خوبی درک می‌کنیم. امید است در آینده نزدیک با رفع نقایص و کاستی هایی که مطرح شد نظام آموزش و پرورش ما فرصت ها و شرایط مناسب تری در پرورش استعدادها و تقویت روحیات معنوی فراهم آورد.